

ایرج میرزا هم درباره قرارداد چنین سروده است:

گویند که انگلیس با روس	عهدی بسته است تازه امسال
کماندر پلیتیک هم در ایران	زین پس نکنند هیچ اخلال
افسوس که کافیان این ملک	بنشسته و فارغند از این حال
از صلح میان گریه و موش	بر باد رود دکان بقال

مشیرالدوله صدراعظم نامه‌ای به مستر مارلیک وزیر مختار انگلیس در ایران فرستاد و نسبت به انعقاد قرارداد اعتراض کرد و آنرا مداخله در امور داخلی ایران دانست.

او در پاسخ اعلام داشت که طبق توافق هیچیک از دولتین در امور ایران مداخله نخواهد کرد و منظور از این قرارداد مشخص بودن وضع امتیاز نامه‌های دو کشور است که از طرف ایران به آنها داده خواهد شد.

روز شنبه ۲۶ شعبان علاءالسلطنه وزیر خارجه نامه وزیر مختار انگلیس منضم به متن قرارداد ۱۹۰۷ را که بین روس و انگلیس منعقد شده بود به مجلس فرستاد و مجلس با تنفر و انزجار فراوان آن را تلقی کرد قرار شد که وزارت خارجه جواب مناسبی به سفارتخانه‌های دو دولت بدهد و به این عمل اعتراض کند و بنویسد که ما این قرارداد را به رسمیت نمی‌شناسیم.

نامه مشیرالدوله به وزیر مختار انگلیس در ایران

۲۵ رمضان ۱۳۲۵ - ۲ نوامبر ۱۹۰۷

«مراسله آن جناب مورخه ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ مطابق ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ حاوی و متضمن سواد قسمتی از قرارداد منعقد بین دولتین انگلیس و روس راجع به ایران و مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماه عز وصول بخشید.

در جواب با کمال توقیر اظهار می‌دارم و خاطر نصفت مظاهر آن جلالتماب نیز تصدیق خواهند فرمود که قرارداد فوق‌الذکر چون مابین دولتین انگلیس و روس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرارداد فقط تعلق به خود دولتین مذکوره که امضای آن را نموده‌اند، خواهد داشت و دولت ایران نظر به استقلال نامه‌ای که به موهبت الهی داراست تمام حقوق و آزادی خود را که بدان واسطه استقلال مطلقه، متصرف است از هر نفوذ و اثری که نتیجه هر قسم قرارداد منعقد فیما بین دو یا چند دولت دیگر راجع به ایران بوده، شد، کاملاً و مطلقاً مصون و آزاد می‌داند و در خصوص مناسبات و روابط دوستانه خود با دول متحابه برای تشیید و استحکام مبانی و داد دوستی

برطبق مواد و شرایط معاهدات مقدسه و اصول درهای باز هرگونه کوشش و اهتمامی خواهد نمود، اما راجع به قروض نیز واضح است که دولت ایران بدون هیچ منفعتی تعهدات مربوط به قرارداد قرضه را مرعی خواهد داشت.»

#### مشیرالدوله

وزیر مختار انگلیس در جواب مشیرالدوله چنین نوشته است:

۲۱ رجب ۱۳۲۵ - ۵ سپتامبر ۱۹۰۷

«بدوستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قراردادی فی مابین انگلیس و روس منعقد شده که نتیجه آن مداخله دولتین در ایران و تقسیم این مملکت فی مابین آنها خواهد بود. خاطر جناب اشرف ارفع مسبوق است که مذاکرات فی مابین روس و انگلیس بکلی طور دیگر است، چرا که جناب مشیرالملک در این اواخر به پترزبوغ و لندن رفته و مذاکراتی که با وزیر خارجه انگلیس نموده باید راپورت داده باشند، جناب سر ادوارد گری مفاد مذاکراتی که با جناب مشیرالملک داشته اند... بدوستدار اطلاع داده اند.

جناب سرادوارد گری اطلاع می دهد که به جناب مشیرالملک اظهار داشته اند که ایشان و موسیو ایزولسکی (نخست وزیر روسیه تزاری و امضاء کننده پیمان ۱۹۰۷) در دو نکته اصلیه با هم کاملاً متفقند یکی اینکه هیچیک از دولتین در امور ایران مداخله نخواهند کرد مگر صدمه به مال و جان رعایای آنها وارد آید، و دیگر اینکه مذاکرات از باب قرارداد فی مابین روس و انگلیس نباید برخلاف تمامیت و استقلال ایران بوده باشد. در حقیقت چنانکه موسیو ایزولسکی برای مشیرالملک توضیح کرده اند هر دو وزیر کاملاً در خصوص مداخله نکردن موافق بوده و جای شبیه باقی نگذارده اند.»<sup>(۱)</sup>

پس از اعطای مشروطیت بوسیله مظفرالدین شاه، اختلاف بر سر تدوین مواد قانون اساسی پیش آمد روحانیان و طرفداران آنها معتقد بودند مفاد قانون اساسی باید مطابق شریعت باشد. عده ای نیز اعتقاد داشتند که باید کلمه مشروطه به مشروعه تبدیل شود و برای رسیدن به این هدف عده زیادی در آستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم (ع) بست نشستند و اعلامیه هایی صادر کردند.

از طرف علمای اصفهان هم تلگرافی به مجلس شورای ملی مخابره شد که مخالفت بعضی با نظارت روحانیان و مراجع تقلید در تنظیم قانون اساسی، باعث اختلال نظم و آرامش و حدوث فتنه

عمومی خواهد شد.

عده‌ای از آزادیخواهان چون ملک‌المتکلمین، سیدجمال‌الدین واعظ میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، محمد رضا مساوات، حکیم‌الملک، تقی‌زاده، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی همه شب دور هم جمع می‌شدند و درباره اوضاع مملکت و چاره‌جویی برای جلوگیری از پیشرفت مستبدان به گفتگو می‌پرداختند.

روزنامه‌ها در نشر افکار آزادیخواهی و نشان دادن وضع نابسامان مملکت و اعتراض به روش حکومت محمدعلی شاه نقش مهمی داشتند.

روزنامه جبل‌المتین به مدیریت مویداالاسلام روزنامه صوراسرافیل به مدیریت جهانگیرخان و روزنامه اختر در اسلامبول، روزنامه انجمن تبریز، روزنامه آذربایجان، روزنامه ثریا در مصر، روزنامه مساوات، روزنامه روح‌القدس و روزنامه‌های عدالت، آزاد، اتحاد ملی، امید، فریاد و جهاد اکبر ضمن مقالاتی مردم را بر علیه حکومت تحریک می‌کردند.

حاجی اسماعیل منیر مازندرانی در روزنامه‌ای می‌نویسد:

عنکبوت ارلانه دارد آدمی دارد وطن  
عنکبوت آساتو هم دور وطن تاری به تن  
بهرحفظ لانه خود می‌تند تار عنکبوت  
ز عنکبوتی کم‌نداری‌ای غافل از حفظ وطن

دیگری گفته است:

دشمن گرفته دور بدور دیارمان  
ای قوم از چه نیست جویی ننگ و عارتان  
یادآورید همت آن خفتگان خاک  
اسلاف با شرافت عالی تبارتان  
تا یارتان شراب شد و کارتار قمار  
بی درد و عار گشته صنعار و کبارتان

عده‌ای از مراجع تقلید و علماء مذهبی هم از جمله آقا سید عبدالله بهبهانی، آقا سید محمد طباطبایی ملک‌المتکلمین، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، آخوند ملا عبدالله مازندرانی، بهاء الواعظین، سید جمال‌الدین افجه‌ای، میرزا علی واعظ و یجویه‌ای، ثقة‌الاسلام در تنویر افکار و مخالفت با حکومت استبدادی محمدعلی شاه، نقش اساسی داشته‌اند.

عریضه‌ای از طرف مجلس به عنوان محمدعلی شاه به وسیله مخبرالسلطنه فرستاده شد و مضمون آن این بود گرچه دولت ایران جزء دول مشروطه محسوب است، ولی بعضی از مردم تصور می‌کنند شما با مشروطیت موافقت ندارید لذا خواستاریم دستخط مبارک اعلیحضرت صادر شود بر اینکه اساس دولت علیه ایران بر مشروطیت است.

### سواد دستخط محمدعلی شاه قاجار در تصریح مشروطیت دولت ایران

«جناب اشرف صدراعظم - سابقاً هم دستخط فرموده بودیم که نیات مقدسه ما در توجه به اجرای اصول قوانین اساسی که امضاء آن را خودمان از شاهنشاه مرحوم انارالله برهانه گرفتیم، بیش از آن است که ملت بتواند تصور کند و این بدیهی است از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرور انارالله برهانه شرف صدور یافت و امر به تأسیس مجلس شورای ملی شد، دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون به شمار می‌آید، منتهی ملاحظه که دولت داشته این بوده است که قوانین لازمه برای انتظام وزارتخانه‌ها و دوائر حکومتی و مجالس بلدی مطابق شرع محمدی صلی الله علیه و اله نوشته، آن وقت به موقع اجرا گذارده شود.

عین این دستخط ما را برای جنابان مستطابان حجج الاسلام سلم الله تعالی و به مجلس شورای ملی ابلاغ نمایید.»

بیست و هفتم ذیحجه ۱۳۲۴ (سند شماره ۶۹)

مردم آذربایجان، فارس، رشت، قزوین ضمن تلگرافاتی مخالفت خود را با محمدعلی شاه به علت عدم اجرای خواسته‌هایشان اعلام کردند و به این مسئله اشاره نمودند که شاه با حکومت مشروطه موافق نیست.

محمدعلی شاه برای جلب نظر مخالفان قسم‌نامه‌ای نوشت و متعهد شد که قوانین مشروطیت را محترم شمارد و در اجرای آن غفلت نرزد.

### نامه هائی درباره اوضاع اجتماعی این دوره

مورخه ۲۱ دی حجه ۱۳۲۴

«... اوضاع حالیه تهران بی‌اندازه مغشوش است. دو روز است که بهیچوجه نان صحیح پیدا نمی‌شود و آنچه هست مخلوط پهن و چیزهای دیگری است که ابدأ نمی‌توان خورد مسلم است خوردن همچو نانی جز اینکه تولید مرض بکند نتیجه نخواهد داشت، عموم مردم بصدا درآمده و بعضی خیالات در نظر دارند که تمام اسباب خرابی و اغتشاش فوق‌العاده است. جناب اشرف اتابک هم از روزی که آمده و سمت وزارت داخله‌گی را حاصل کرده‌اند بهیچوجه اقدامی نکرده‌اند که نتیجه تامی داشته باشد. شرح ورود حضرات به مجلس از این قرار است، جناب اشرف صدراعظم وارد شدند و همان روز بدون اینکه بمنزل بروند رفتند حضور (محمدعلی شاه) و قریب چهار ساعت



جناب آرف صدر مخم  
 بابت دستوری که  
 که بابت شصت و دو قبه بمبارا صحرای قزوین است  
 آنرا جنابان از شاه مرحوم آذوده بر آن  
 آنست که وقت برانه تصدیق در این بریت است  
 که دولت میباید در آذوده بر آن طرف صورت  
 باین مجلس بر در آتیه دولت ایران در حدود  
 مشروطیت صاحب کسبندیدن بنام این فترت جمله  
 داشته این دولت که قوانین موده را که  
 در هر حکومتی در سطح مشروطیت  
 آذوده در وقت بیع هر دو که آذوده  
 دستخط در درج است جمع هم  
 در در آتیه جمع بیست و دو در آتیه  
 ۱۳۱۳





کرده بودند اگر دولت بخواهد اقدامی برخلاف مجلس نماید چیزی نمی‌گذرد که بکلی سلطنت ایران از میان رفته دست شما و خانواده شما از این مقام کوتاه خواهد شد، روز بعد باز انجمنی کردند و در این خصوص مذاکرات زیاد شد. آخر الامر قرار شد اتابک وزیر داخله و رئیس الوزراء باشد و با هفت نفر وزیر دیگر که مشغول هستند به مجلس بروند و اظهار همراهی نمایند. از قراریکه می‌گویند اتابک بعضی شرایط کرده است از آنجمله آمدن نایب‌السلطنه به مجلس، دیگر همراهی دولت با خیالات مجلس و غیره... چند روز قبل وزراء مسئول باین ترتیب وارد مجلس شدند نایب‌السلطنه و اتابک هم شتون یکدیگر جلو بودند فرمانفرما وزیر عدلیه پشت سر، پس از آن وزیر مالیه و غیره بودند. از در مجلس تا دم اطاقی که وارد مجلس وکلا می‌شوند باندازه‌ای جمعیت ایستاده بود که وزراء با کمال زحمت حرکت می‌کردند. رنگ نایب‌السلطنه و صدراعظم طوری پریده بود مثل اینکه به محبس می‌روند. از پله‌های راهرو بالا رفته نرسیده بدرج اطاق یک جوان ترکی جلو اتابک را گرفته اینطور بیان کرد «آی اتابک امروز از برای همراهی بملت بمجلس آمده‌ای یا برخلاف؟ هر خیالی داری بگو تا من تکلیف خودم و شما را معین کنم» جواب گفتند مسلم است آمدن من بمجلس فقط محض همراهی با خیالات ملت است. اگر غیر از این بود حاضر نمی‌شدم و باین نقطه نمی‌آمدم. پس از مذاکرات وارد اطاق شدند. بیچاره نایب‌السلطنه در حضور مشهدی باقر نشست و بدنش می‌لرزید که مبادا ایرادی بگیرند. شرح مذاکرات آنروز را در روزنامه مجلس نوشته‌اند. البته ملاحظه فرموده‌اید محتاج بشرح نیست. از قراریکه می‌گویند گویا اتابک خیال همراهی را دارد و اگر دولت بخواهد برخلاف مشروطیت رفتار نماید اتابک هم استعفا خواهد کرد...» سند شماره ۶۹/۱

مورخه ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۲۴

«خداوندگارا..... البته از اوضاع مملکت خاطر مبارک مسبوق است از قرار مذکور امروز وکلای آذربایجان وارد خواهند شد، جمعی از کسبه بازار را می‌بندند که باستقبال بروند و آنها را با کمال احترام وارد کنند.

پریروز که یکشنبه ۱۹ بود قرار بود وزرای مسئول در خدمت حضرت اشرف صدراعظم به مجلس بیایند با تعیین حدود معرفی شوند چون دو روز قبل از روز نوزدهم وزراء خودشان به مجلس آمده بودند، جناب محتشم‌السلطنه از طرف صدراعظم بدون حضور وزراء به مجلس آمدند و رقه‌ای باین مضمون از طرف ایشان قرائت شد.

خدمت وکلای محترم مجلس دارالشورای ملی صورت اسامی وزرای مسئول از این قرار است. مشیرالسلطنه وزیر عدلیه، ناصرالملک وزیر مالیه، علاءالسلطنه وزیر امور خارجه، مهندس



الممالک وزیر معادن، علاءالملک وزیر علوم، دبیرالدوله وزیر لشکر، وزیر داخله و وزیر تجارت و معادن، و اینها اشخاصی هستند که باید امورات را از روی قانون بگذرانند، وکلای مجلس بعضی ایرادات کردند از آنجمله گفتند وزیر لشکر مسئول مجلس نیست وزیر جنگ مسئول است و باید بجای وزیر لشکر وزیر جنگ نوشته شود. دیگر اینکه باید توضیح کنند دیگر وزیری جز هشت نفر نخواهد بود و امورات مملکتی از این هشت نفر خواسته می شود که باید بدانیم از امروز بعد بمسیو نوز که وزیر گمرک و پست بوده چه بنویسیم باز وزیر خطاب کنیم یا مدیر گمرک. در اینخصوص مذاکرات و کشمکش و گفتگوی زیادی شد آخر الامر موقوف بمجلس ثانوی شد که جناب محتشم السلطنه این مطالب را بعرض حضرت اشرف صدراعظم برسانند و جواب بدهند. همین قدر عرض می کنم اوضاع عالم بکلی تغییر کرده و اخلاق و اطلاعات مردم درین موارد بجائی رسیده که تصور غیر ممکن است. میرزا احمدخانی است که سابقاً جزو وزارت خارجه بوده و در عمل تذکره کار می کرده است البته اطلاع دارید که بدو ایشان از مشاغل خودشان دست برداشته و داخل انجمن ملت شدند حال بمقامی رسیده که در مدرسه مروی بالای ممبر (کذا) رفته البته عظمی کند و اقلاً هزار نفر کسبه و غیر کسبه روزهای جمعه بمدرسه مروی می روند و بفرمایشات ایشان گوش می دهند. مسلماً اگر یک مجتهدی به ممبر (کذا) برود آنقدر جمعیت حاضر نمی شوند که میرزا احمدخان مرده از برای خودش فراهم کرده است. از این مقوله هرچه عرض کنم تمامی ندارد. زیاده جسارت بعرض نمود.» سند شماره ۶۹/۲

### قسم نامه محمدعلی شاه

«چون بواسطه انقلاباتی که این چند روزه در تهران و سایر ولایات ایران واقع شده، برای ملت سوء ظنی حاصل شده بود، که خدای نخواسته در مقام نقص عهد و مخالف با قانون اساسی هستیم، لهذا برای رفع این سوء ظن و اطمینان نامه عموم ملت به این کلام الله مجید قسم یاد می کنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی را کلیه در کمال مواظبت حمایت و رعایت کرده و اجرای آن را به هیچ وجه غفلت نکنیم و هرکس بر خلاف مشروطیت رفتار کرده مجازات سخت بدهیم و هرگاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مسئول خواهیم بود ذیقعد ۱۳۳۵ (محمدعلی شاه قاجار)<sup>(۱)</sup> (سند شماره ۷۰)

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم اجزائنا  
وارجاسمنا  
والله اعلم  
بما نزلنا  
والله اعلم  
بما نزلنا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم اجزائنا  
وارجاسمنا  
والله اعلم  
بما نزلنا  
والله اعلم  
بما نزلنا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم اجزائنا  
وارجاسمنا  
والله اعلم  
بما نزلنا  
والله اعلم  
بما نزلنا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم اجزائنا  
وارجاسمنا  
والله اعلم  
بما نزلنا  
والله اعلم  
بما نزلنا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم اجزائنا  
وارجاسمنا  
والله اعلم  
بما نزلنا  
والله اعلم  
بما نزلنا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم اجزائنا  
وارجاسمنا  
والله اعلم  
بما نزلنا  
والله اعلم  
بما نزلنا



سند شماره ۶۹/۲ - نامه درباره اوضاع اجتماعی ایران (قسمت دوم)

آزادبخواهان و مشروطه طلبان که از نیت باطنی محمدعلی شاه آگاه بودند و می دانستند که اساساً با مشروطیت موافق نیست با پخش شبنامه‌ها و سخنرانی‌ها بر علیه شاه و مستبدان به فعالیت پرداختند.

### شبنامه

«... استدعای ما ملت خدمت آقایان روحانی این است که این وزراء خائن را بخواهید و آنها را نصیحت کنید که این همه پایپ این ملت نجیب نشوند و تکلیف شرعی ما را زیاد و مشکل نمایند، مبدا روزی آید که پشیمانی سودی ندهد خدا می داند که ما امروز برای رفع ذلت اسلام علاجی جز مجلس شوری و اجرای قوانین مشروطیت نمی دانیم و مخرب مجلس را دشمن دین و خصم خدا می دانیم و به قانون مذهبی دفع شر او را به حکم «اقتلو المودی قبل ان یؤدی» از جمله فرایض واجبه اسلامیة خویش می شماریم.

ای پادشاه اسلام این دفعه محض اتمام حجت می گوئیم که گوش به سخنان عدوانه این وزراء ظلم مده زیرا این دزدان پی بازار آشفته می گردند شاه را از رعیت بری و رعیت را بر شاه می شورانند،

... شاهها



سوغند نامه محمد علی شاه قاجار

سند شماره ۷۰ - سوغند نامه محمدعلیشاه

به اول همه کاری تأمل اولی تر بکن وگرنه پشیمان شوی در آخرکار»<sup>(۱)</sup>  
 از تبریز نیز از طرف حاکم شهر تلگرافی در خصوص تقاضای مردم برای تنظیم قانون اساسی و  
 تحصن آنها در تلگرافخانه مخابره گردیده است.  
 راپرت تلگرافی تبریز در مطالبه قانون اساسی

«راپرت تبریز - راپرت اداره تلگرافی دولت علیه ایران - عموم آقایان علماء و پیشنمازهای شهر  
 به اتفاق اعضای انجمن و وکلای اصناف و جماعت ملت بالغ به دو هزار نفر در تلگرافخانه مبارکه  
 اجتماع و یک زبان خواهان قانون اساسی و از قراری که می گویند و درصدد هستند که بازارها را فردا  
 باز نکنند و جمعی راهم درب تلگرافخانه گماشته اند که احدی بیرون نرود و حتی بعضی از آقایان که  
 خواسته بودند بروند ممانعت کرده بتلگرافخانه مراجعت دادند. تا بعد چه شود. خانه زاد علی -  
 بتاریخ شب ۲۷ ربیع الاول سنه قوی ثیل ۱۳۲۵» (سند شماره ۷۱)

دستخط محمدعلیشاه است روی راپرت تلگرافی تبریز به «اتابک» نوشته است.

«جناب اشرف اتابک اعظم - راپرت تبریز را فرستادم ملاحظه خواهید کرد، مطلب همان است  
 که حضوراً بجناب شما مکرر گفته ام. اینها اسبابی است که از اینجا فراهم می کنند و معلوم نیست  
 مقصود آنها برای چیست؟ تا حال می گفتند همراهی نیست، حالا که شما همه نوع تقویت و همراهی  
 دارید و دولت همراهی می کند، نمی دانم که مقصود چیست و غرض از قانون اساسی چیست؟ خوب  
 است که جناب شما حالا «صنیع الدوله» را بخواهید و سخت بگوئید صبح برود مطلب را به آنها  
 حالی نماید و البته اقدامات لازم امشب بنمائید که با تلگراف امشب به آنها جواب و سؤال بکنند.  
 (سند شماره ۷۲)

محمدعلیشاه پس از اطلاع از نظرات مردم شهرستانها نامه زیر را نوشت.

سواد دستخط محمدعلیشاه

«از روزی که به اقتضای اراده خداوند متعال، ولایت عهد دولت ابد آیت ایران مخصوص وجود  
 مسعود همایون ما گردید، پیوسته مشهور حضور عاطفت ظهور شاهانه بود که رفع مفاسد و معایب  
 و رفع پریشانی و ذمائم موجوده این مملکت شش هزار ساله را که به منزله خانه مسکونی و وطن  
 عزیز ماست جز به نیروی امتزاج قوای ملیه با قوای دولتی و سلطنتی چاره ای نه؛ و به غیر از معاونت



دولت - راپورت ایران و تلگراف دولت علیه ایران

مهم ترین متن دستنویسهای شهر باغی است که در این کتاب درج شده است و به شرح زیر است:
در عهد قاجار که در این کتاب درج شده است و در عهد قاجار که در این کتاب درج شده است
فردا با کتبش در فهرست کتابخانه کنگره از روز چهارم مرداد در دسترس می باشد و این فهرست
بروز هفت کتب که در این کتاب درج شده است و در عهد قاجار که در این کتاب درج شده است

۳۳۰ - قمری - ۱۳۸۳

سند شماره ۷۱ - تلگراف از تبریز در خصوص قانون اساسی

Handwritten text in Persian script, likely a list or document related to the title.

چاره‌جویی عموم اهل این خاک پاک، در پرستاری و خدمت به این مادر مهربان، تدبیری نیست. همانا شب و روز، در این مشروع مقدس، پای کوبان بوده، اندیشه‌ها در سر و خیالات در نظر داشتیم، تا آنکه خود ملت غیرتمند ایران و فرزندان عزیزما، با نیات معنوی ما مساعدت نموده و از پیشگاه مبارک شاهنشاه مرحوم میروار البسه‌الله تعالی من حلال النور، استدعای سلطنت مشروطه نموده و وسیله بروز مقاصد مکنونه ما، به پدر تاجدارمان گردیدند. تلگراف و عرایض کتبی ما، به پیشگاه شاهنشاه مرحوم، در تلگرافخانه و غیره، حاضر و بیان همدردی ما را با ملت خودمان به خوبی آشکار می‌نماید. و بعد از اعطای مشروطیت که به طهران آمدیم، در امضای قانون اساسی، چه رنج‌ها برده و چه زحمات متحمل شدیم، تا آنرا به امضای مقدس آن شاهنشاه دل آگاه رساندیم؛ و همینکه نوبت تاجداری و سلطنت، مخصوص شخص خودمان شد، دقیقه‌ای از دقایق، پیشرفت امور مشروطیت را فروگذار نموده و تمام قوای خود را صرف عظمت مجلس شورای ملی داشتیم. ولی درازدستی مغرضین و فساد مفسدین، در این اواخر به طوریکه همه کارآگاهان می‌دانند، بکلی خاطر ما را مکدر ساخته و تا حدی مایوس داشت، آن اوضاع ناگوار مجلس را ما حتی گرفتارهای گوناگون ایران ندیده و محیی این آب و خاک نداشتیم. چندی موافق قانون عموم دول، مجلس را توقیف داشته و در نوزدهم شهر شوال که خواستیم افتتاح فرمائیم، پاره‌ای موانع موجود شد که همه عقلا تصویب می‌نمودند که اگر در آن موقع شروع به انعقاد پارلمان می‌شد، نتیجه جز سفک دماء و اتلاف نفوس نمی‌بخشید. این بود که چندی به تدابیر عملیه، آن موانع را مرتفع داشت. امروز که موقع را مقتضی و مانع را مفقود دیده، با نهایت اشتیاق و میل قلبی به موجب صدور این دستخط مبارک، موافق همان قانون اساسی، بدون ذره‌ای کسر و نقصان، امر به انعقاد پارلمان داده و مقرر فرمودیم که یک عده از اشخاص عالم مشروطه خواه که طرف اطمینان دولت و ملت باشند، به مجلس شورای مملکتی ملحق گردیده و نظامنامه انتخابات را عاجلاً حاضر نموده و منتشر دارند و به محض اینکه نظامنامه انتخابات انتشار یافت، شروع به انتخاب شده و همینکه دو ثلث منتخبین حاضر شدند، مجلس شورای ملی در بهارستان، افتتاح خواهد شد.

به تاریخ ۱۸ شهر ربیع‌الثانی تخاقوی ثیل ۱۳۲۷ مطابق ۱۹ برج ثور، در قصر سلطنتی باغ شاه، سال سیم سلطنت ما، تحریر شد.

محمدعلی شاه قاجار

رئیس مطبوعه مبارکه شاهنشاهی، عبدالله قاجار<sup>(۱)</sup>

نامه وزیر مختار انگلیس درباره تقاضای انجمن محلی تبریز - این سند مدرک رابطه آن انجمن با کنسولگری انگلیس می باشد.

«چهارم ربیع الثانی ۱۳۲۵ - مارک سفید دولت انگلستان - دوستانه - فدایت شوم تلگرافی از فونسول جنرال انگلیس مقیم تبریز رسیده و چنین اظهار می دارد که از وکلای آذربایجان بانجمن تبریز تلگرافی رسیده است و وعده می دهند که قانون اساسی تا بیست روز دیگر به تبریز فرستاده می شود و انجمن تبریز می خواهند بازار را باز نمایند لکن ازدحام ممانعت می کند و می گویند که تلگراف وکلای آذربایجان اصل ندارد، اضطراب بحد کمال رسیده و بیم آن می رود که وضع بدتر شود. انجمن تبریز می خواهند که تلگرافی از وکلای آذربایجان باین سفارت داده شود که به تبریز مخایره شود و باین ترتیب امیدوارند که بتوان مردم را آرام نمود و آنها را مطمئن داشت بصحت امور داخله ایران نمایم ولی نظر بهمراهی و نگاهداری صلح و نظم اجازه دارم که خدمات خود را تقدیم بدارم در صورتیکه مقبول باشد! لهذا اگر بنظر دولت اعلیحضرت اقدس همایونی همچو اقدامی ممکن است که مردم را آرام نماید حاضرم که تلگراف وکلای آذربایجان را بتوسط جنرال قنسولگری انگلیس بانجمن محلی برسانم، حضرت اشرف ارفع خواهند دانست که در اینمورد اقدام رسمی نمی نمایم و چنانچه حضرت اشرف ارفع بخواهند اقدامی نخواهم نمود زیاده تصدیع نمی افزاید امضاء «سیل اسپرینگ رایس» (سند شماره ۷۳)

محمدعلیشاه در بالای این نامه نوشته است «جناب اشرف اتابک اعظم تلگرافها را وکلا بتوسط قنسول برسانند.»

مخالفان حکومت محمدعلیشاه که شامل عده ای از روحانیان و روشنفکران و تجار بازار بودند در آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) به بست نشستند و چاپخانه ای تهیه کردند و به نشر مقالات درباره وضع نابسامان مملکت و حکومت استبدادی شاه و اطرافیانش پرداختند.<sup>(۱)</sup> (سند شماره ۷۵-۷۴) بعضی از مخالفان شیخ فضل الله ضمن نوشته ها و سخنرانیهای خود اعلام می کردند که او با مشروطیت مخالف است و در انجام این امر کارشکنی می کند چون او معتقد است که قانون اساسی باید متکی به قوانین اسلامی باشد.

طرفداران شیخ فضل الله ضمن نامه ای اعلام کردند که ایشان از پایه گذاران این مکتب هستند و سایر روحانیان را در انجام این امر تشویق کرده اند (سند شماره ۷۶)



۱۳۲۵  
چهارم ۱۹

عزیزان و اسرار علی  
است و اولاد و اولاد اولاد  
۲

دوست من  
گفته اند که در این زمان هیچ چیز برده شده نیست و این را

که اندک روزی در این عالم از آنجا نیست و در هر یک از اینها است

بزرگتر از آنکه در این عالم از آنجا نیست و در هر یک از اینها است

دوست من من است و جواب آن است که در این عالم از آنجا نیست

این از آنجا نیست و در هر یک از اینها است

در آن زمان که در آنجا نیست و در هر یک از اینها است

بزرگتر از آنکه در این عالم از آنجا نیست و در هر یک از اینها است

گفته اند که در این زمان هیچ چیز برده شده نیست و این را

سند شماره ۷۳ - نامه وزیر مختار انگلیس درباره تقاضای انجمن محلی تبریز  
در تاریخ ۱۳۲۵ - چهارم ۱۹  
موضوع: تقاضای انجمن محلی تبریز  
مخاطب: وزیر مختار انگلیس  
مستند: سند شماره ۷۳

مطبع در آستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و علی آباءه

الاکرام برای اقبال و رفع اشتباه از برادران دینی

بسم الله الرحمن الرحیم

مشرت متاصد علماء اعلام و حج اسلام مهاجرین است بر کاتب بر وجه اجمال در این مرتبه بر  
 برادران دینی نوشته میشود که بدانند و بفهمند که هیچ وجه غرض دیگری نیست فقط غرض خطیبی  
 اسلام از آنراست که زمین و زمانه قد علم الله اراده نموده و انالله الله تعالی ما اراد و انشأ الله تعالی  
 آتانا بقرآن کریم در اول قانون اساسی تصریح بکلمه مبارک که مشروطیت در قانون محمدی صحتی ندارد  
 بود تا این آنگاه این نظارت علماء که مطیع رسید بدون تغییر ضم قانون شود و همین سبب نظایر  
 احکام علماء معتقدین باشد چه آنکه خود این تبیین منتهی باینجا بقرعه خودشان میشود و آنکه که حضرت محمد صلی الله علیه و آله  
 آتای آفریندگاری از طرفی که گرانگاران بود مجازاً اسلام آتای بی شیخ فضل الله است بر کاتب از محرم  
 خوانند استمالاً از قریف در قانون اساسی درج شود

ثالثاً اصلاحات و تراژدی از تقسیم مطلقات و تخصیص عکومات و استثناء و اجتماع الی الاکتفاء  
 مثل تنبیه مطبوعات و روزنامهجات از کفریات و توهمینات شرع و اهل شرع و غیره که در محضر علماء اعلام  
 در جوار و کلام واقع شده باید همچو در فلان سوره بدون تفسیر و تبدیل درج شود انشاء الله تعالی

مطبوع در آستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه وعلی آباء الکرام  
برای اقباه و رفع اشتباه از برادران دینی روز دوشنبه بیستم جمادی الثانی  
(۱۳۲۵) هجری

### بسم الله الرحمن الرحيم

شرح مقاصد حضرت خیر الاسلام و اهلین آقای حاج شیخ فضل الله سلمه الله و سایر مجامیرین زاده مقدسه از علماء عظام  
و غیرهم آن است که سال گذشته از سمت فرستادن محضی بکلیت ماسرایت کرده و آن سخن این بود که هر دو یکی که پادشاه و وزیر  
و کفایت به خواجده و باربعیت فارسیکننده آن دولت سرچشمه نظم و آهنگی و تقاضای است و مکتبی که ابراب نظم و آهنگی  
و تقاضای در آن مستقیم باشد آهوانی بریند ارد و لایزال بر پریشانی رجعت بی سامانی ای میسنداید تا آنجا که با برادران  
از آستانه استقلال می آید و در آنجا بنام و رای جان خود تحصیل برود و گفتند صاحب این بر سر مکتب نشستی آن است که مردم معین  
و از پادشاه بخوابند که مکتب لغو مانده تفسیر به در تکالیف اوستی و مکتبای ایرانی و مکتبای داری و مکتبای کساری که در  
کس که بیدار کرد و در پادشاه و طبقات قدم چشم او بیج وقت از آن مکتب از مکتبی کند و این مکتب را در راه مردم که در  
و این مکتب از خود را با بقویب که در کربز بسند و مکتب پادشاه رسانید و در مکتب تشریفانید و گفتند تا بر آن مکتبانی به خوا  
بر زبان این زمان سلطنت استبداد است و تمام این مکتبانی مکتب را در سلطنت مشروطه است و تمام مکتب را در او دهندگان  
و تمام و با بقویب است و تمام مکتب را در آن مکتب که مکتب استبداد است و تمام مکتب را در او دهندگان  
کتابچه که آن مکتب را در او در آن مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
ترتیب استبداد تمام مکتب را در آن مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
ایران از بی قانونی و نامحالی دولت است و باید از دولت تحصیل مجلس شورای ملی کرد که تکالیف و دایره دولتی در همین  
و تصرفاتش را محدود نماید تا آنکه بجهت تعالی پادشاه در مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
اسلامی منفر شده و آنحضرت از پیش پادشاهان و مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب

بر موقی تکلیفی مستتر فرموده است پس حاجت ما مردم ایران بوضع قانون حضرات در کارهای سلطنتی که بر حسب اتفاق است  
 عالم از رشته شریعتی موضوع شده و در اصطلاح فقهار، دولت جانزه و در عرف سیاسی این دولت بسته گردید است  
 باری بد از بد آمدن حضرات نوسین مجلس از پنج اسلام و سایر سلکین لخبور این فن و بر وزیرین مفاسد و انبک تولید این  
 نتایج نمود از د حال دو پسته دشمنان دین و دولت که بایسته طبیعتیه هستند است قرار قاطع بر جلوگیری از بدی از  
 تصرفات لایذ زبان در این اساس ستین داده شد و جلوگیری از دخالت تصرفات این فردی مفاسد و نفعده به نفعشان  
 و لحاظ داشتن چند فقره است در نظامنا ساز اساسی یکی آنکه در نظامنا ساز اساسی مجلس بعد از لغو مشروطه لغو شد در حقیقت  
 شود و دیگر آنکه فصل در اثر بر مملکت موافقت قوانین مجلس با شرع و عقیدت و در اکتب بیستی از عدول مجتهدین در بر مملکت  
 بر مجلس شورای همان عبارت که بکلی نوشته ایم بر فضول نظامنا ساز منسوخ شود و هم مجلس شورای را بسیم چون چرخ افکند  
 در زمین آن بیست از عدول مجتهدین نخواهد بود و اختیار انتخاب تعیین و سایر حیاتی را بعد از آن بیست بکلیت با علماء و متعلمین  
 بر مملکت لایغر و دیگر آنکه محض جلوگیری از فرقی لایذ به مفاسد مرتدین از دین که منسوخ بایسته و سخنان است  
 حضرت عبد السلام و اهلین آقای آخوند خاوند کاشم در مملکت منسوخ و در فصلی را فرمایش فرموده اند حکم ایشان هم منسوخ  
 بایست ملاحظه شود و مختصر حاصل رابع با جسد احکام شرعی که بار منسوخ بایسته و سایر زناد و دوا صده در نظامنا ساز اساسی  
 منسوخ و مندرج گردد

و دیگر آنکه چون نظامنا ساز اساسی مجلس از روی قانونهای خارج ذمه بای نوشته اند محض لایذ مشروطیت و حفظ استقلال  
 آن بادر تصرفات در بعضی فضول با مختصر بکلی صحیح ملاحظه شده است بای آن فضول نسبت به همان اصلاحات و تصحیحاتی  
 که بکلی منسوخ نموده اند مندرج شود و بسج تغییر در ترک عمل نیاید برای آن تصرفات و تصحیحات و اصلاحات منسوخ یا دریم  
 تا بر برادرهای دینی بدانند که بدو آنچه بوده است بکند چه شده است آرزو یک فصل از قانونهای خارج که ترجمه کرده اند  
 این است که مطبوعات مطلقاً آزاد است (یعنی آنچه را بر کس چاپ کرده اند و آندوی را حق چون و چه نیست) این قانون  
 با شریعت منافساند لذا علماء و محققان تغییر دادند و تصحیح منسوخ نمودند زیرا که شرکست فطال و اشاعه فساد در دین اسلام منسوخ